



نمی‌گذاریم وضعی که الان داریم یعنی عدم توسعه ظرفیت صادراتی، موقعیت و بازار ما را تهدید کند. با موقعیت‌شناسی از بحران ژئوپلیتیکی که الان اتفاق افتاده، استفاده می‌کنیم که با گاز طرف ثالث سهم راهبردی خود را در بازار گاز افزایش دهیم

بین‌المللی. در بخش داخلی برنامه کشور دو بال دارد و ترسیم برنامه اجرایی همزمان و همراستا در دو موضوع داخلی، یعنی افزایش عرضه داخلی با مدیریت مصرف انرژی، در تمام بخش‌ها از صنعت تا خانگی، مد نظر است. جمع‌آوری گازهای مشعل، توسعه میادین جدید یا ازدیاد برداشت از موارد افزایش عرضه داخلی است که علاوه بر اقدامات بخش داخلی، کار دوم این است که در کوتاه‌مدت از فرصت‌های ژئوپلیتیکی و آنچه در اختیار ماست استفاده کنیم و به شکل اقتصادی گاز از کشورهایی که مازاد دارند بخریم و به کشورهایی که گاز نیاز دارند صادر کنیم. یعنی خرید گاز انجام بدهیم و با اختیار خودمان به بازارهای دیگر بدهیم. نه اینکه تأکید اولیه بر سوآپ یا ترانزیت داشته باشیم، بلکه تأکید بر تجارت گاز داریم. فرصت‌های ژئوپلیتیکی مقطعی و پر نوسان است. اگر از این فرصت‌ها استفاده کنیم، می‌توانیم برای بالا بردن سهم کشور در تجارت گاز بدون اینکه سهم بازارمان را از دست بدهیم، اقدام کنیم. در کشورهای پیرامونی ما تقاضایی بیش از ظرفیت صادراتی ما وجود دارد. لذا برای عرضه گاز به این کشورها یا قرارداد داریم، یا قرارداد می‌بندیم که گاز را از کشورهای ثالث بخریم و با قیمت مدنظر خودمان در اختیار کشورها خریدار قرار دهیم. پس بازاری را از دست نمی‌دهیم.

در همین حال، زمانی که ظرفیت تولید داخلی بالا می‌رود- چه از طریق مدیریت مصرف و چه از طریق افزایش تولید یا جمع‌آوری گازهای همراه- گاز خود را در بازار جایگزین می‌کنیم و حتی این موضوع سبب می‌شود که در خرید گاز از کشور ثالث دست بالا را در مذاکرات داشته باشیم. این موارد با یکدیگر منافاتی ندارند، بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی دیپلماسی انرژی در بازار گاز است. از این طریق نمی‌گذاریم وضعی که الان داریم یعنی عدم توسعه ظرفیت صادراتی، موقعیت و بازار ما را تهدید کند. با موقعیت‌شناسی از بحران ژئوپلیتیکی که الان اتفاق افتاده، استفاده می‌کنیم که با گاز طرف ثالث سهم راهبردی خود را در بازار گاز افزایش دهیم.

■ در این همکاری ایران بازار گاز خود را از دست نمی‌دهد؟ اکنون این نگرانی وجود دارد. آیا ایران بازار گازی که در برنامه‌های توسعه‌ای دیده شده، به روسیه واگذار نمی‌کند؟

اگر پاسخ سخن شما این گونه بود که روس‌ها با پاکستانی‌ها قرارداد می‌بندند و ما در این میان فقط حق سوآپ یا ترانزیت می‌گرفتیم این نگرانی درست بود. آن زمان این مسأله شکل می‌گرفت که دولت بازار در دسترس را از لحاظ سهم بازار به یک رابطه «هزینه ترانزیت یا سوآپ گیرنده» تبدیل کرده و بازار را از دست داده است. اما قرار است که ما گاز روس‌ها را در این وضعیت ژئوپلیتیکی در شرایطی که خودمان ظرفیت آزاد چندان برای صادرات نداریم، از روسیه بخریم و آن را صادر کنیم. به بیانی دیگر، می‌خواهیم به چند هدف راهبردی با گاز روسیه برسیم. اول، بازارهای در دسترس را به جای اینکه به دنبال جایگزین‌ها بروند، با این گاز حفظ کنیم. دوم، از موقعیت و فرصت پیش آمده که ممکن است در آینده کمتر رخ دهد، استفاده کنیم و کشورهای دیگر را به ایران وابسته کنیم. الان کشور روسیه

مشکلات زیرساختی نمی‌توانند از غرب کشور به سمت شرق کشور ببرند. دوم اینکه آیا چینی‌ها راضی خواهند شد که حجم بالایی از گاز مصرفی خود، مثلاً ۱۵۰ میلیارد مترمکعب را به روسیه اختصاص بدهند و تجربه اروپا را که گاز اهرم فشار است، تکرار کنند و به روسیه جایگاه یک عرضه‌کننده برجسته را بدهند؟ طبیعتاً برای روس‌ها هم یک سهمی در نظر گرفته‌اند و سعی می‌کنند منابع تأمین انرژی وارداتی را برای تضمین امنیت انرژی خود متنوع نگه دارند.

■ یک مسأله دیگر که مطرح می‌شود، این است که ایران می‌خواهد گاز روسیه را در داخل کشور برای تأمین سوخت زمستانی استفاده کند. صحت دارد؟

هدف تجارت گاز، حفظ بازارهای موجود و ایجاد بازارهای جدید است. می‌خواهیم از شرایط جدید ژئوپلیتیک گازی استفاده کنیم و گاز را ارزان‌تر بخریم و با سود بفروشیم. اما این گاز در اختیار جمهوری اسلامی است و مانند گاز خودمان است. مثل گازی که از ترکمنستان در گذشته می‌خریدیم. با این حال، می‌توانیم برای تراز داخلی خودمان یا صنایعی نظیر پتروشیمی نیز استفاده کنیم. اگرچه توسعه صنعت پتروشیمی به سمت توسعه زنجیره متانول متمایل است. اما در مجموع اگر برای سوخت داخلی هم استفاده شود، بازهم سودبخش است. یعنی به جای آنکه مایعات نفتی گران‌تر را در زمستان استفاده کنیم، از این گاز استفاده کنیم و مایعات را صادر کنیم.

■ از این ۷۰ میلیارد مترمکعب ظرفیت آزاد شده روسیه، چه حجمی را قرار است ایران بخرد؟

این فرصتی است که ما هر چقدر بتوانیم باید از آن استفاده کنیم. یعنی بازاری سازی کنیم، گاز روسیه را بگیریم و بازارهای صادراتی

به دلایل مختلفی از جمله مسأله اوکراین، با مشکل صادرات گاز مواجهه است. سهم راهبردی روسیه در بازار اروپا در حال تضعیف است و در نهایت تبدیل به یک سهم تجاری می‌شود. به کلمه «راهبردی» توجه کنید. یعنی روسیه نمی‌تواند در بازار گاز اروپا دیگر نقش راهبردی داشته باشد و از گاز به عنوان یک اسلحه استفاده کند. این مسأله سبب می‌شود برخی از پروژه‌ها مثل خط لوله «نورد استریم ۲» و خط لوله «ترک استریم» به سمت کشورهای حوزه بالکان و سایر خطوط لوله روسیه توسعه نیابد و در نهایت وضعیت کنونی هم تضعیف شود.

در سال ۲۰۲۱ سهم خطوط لوله گاز روسیه از بازار اروپا نزدیک به ۱۴۵ میلیارد مترمکعب بود و حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد مترمکعب نیز صادرات «ال ان جی» بود. حالا نه تنها نورد استریم ۲ با سهمی حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب افتتاح نمی‌شود بلکه تقریباً نزدیک به ۷۰ تا ۹۰ میلیارد مترمکعب از سهم روسیه زده می‌شود. تقریباً می‌توان با یک عدم قطعیت پایین بیان کنیم که چشم‌انداز تعاملات روسیه به اروپا مبهم و بسیار به سمت تیره پیش می‌رود. یعنی نه تنها امیدی نیست که رابطه این دو طرف بهبود یابد، بلکه از نظر تحلیلی می‌توان گفت که اگر اروپا در این شرایط از زمستان آتی بگذرد، دیگر شرایط سال ۲۰۲۰ را با روسیه تکرار نمی‌کند و به سمت تضعیف راهبردی گاز روسیه می‌رود. از این رو سهم روسیه از بازار تجاری می‌شود و دیگر راهبردی نیست. اما روس‌ها این ظرفیت مازاد را می‌خواهند چکار کنند؟ این ظرفیت براحتی قابل سوئیچ و تغییر مقصد به سمت شرق نیست. هرچند که این استراتژی بخشی از سیاست گذشته «Pivot to Asia» روسیه بوده، اما ۷۰ تا ۹۰ میلیارد مترمکعب گاز را براحتی به دلیل

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱